

پژوهشی درخشان در شناخت و تعیین رباعیات اصیل خیام

۲۲۳-۲۲۳

چکیده: کتاب رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی واپسین اثری است که دربارهٔ سنجش و ارزیابی رباعیات خیام و شناخت رباعیات اصیل او و جدا کردن آنها از رباعیات منسوب به وی منتشر شده است. در این کتاب، پس از معرفی و نقد و بررسی معیارهای گوناگونی که پژوهشگران ایرانی و خارجی در صد و بیست سال گذشته برای شناخت رباعیات اصیل خیام به کار گرفته‌اند، شیوه‌ای تازه و نوین عرضه شده است. این شیوه مبتنی است بر سه روش شناسایی و ارزیابی منابع کهن و توجه به اصل تکرار و تواتر، پالایش رباعیات خیام از رباعیات شاعرانی که به او نسبت یافته است و اصل رعایت قافیه‌های چهارگانه در سرودن رباعی در روزگار خیام. در ادامه بر مبنای این سه معیار، ۲۰ رباعی اصیل خیام شناسایی و معرفی شده است. همچنین ۴۹ رباعی که احتمال انتساب آنها به خیام زیاد است، در دسته «رباعیات محتمل» قرار گرفته و در نهایت نشان داده شده است که انتساب ۵۱ رباعی که برخی از آنها بسیار مشهورند و همواره در زمرهٔ رباعیات مسلم‌الصدر خیام به شمار آمده‌اند، مردود یا دست کم مشکوک است. این اثر ارزنده که حاصل سه دهه تحقیق و پژوهش متمرکز و مستمر علی میرافضلی است، در این جستار به کوتاهی معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: خیام‌شناسی، رباعی پژوهی، رباعیات اصیل خیام، رباعیات خیامانه.

خیام و خیامانه‌های پارسی، سید علی میرافضلی، تهران:

سخن، ۱۳۹۹.

Brilliant Work in Recognizing and Determining Khayyam's Original Quatrains

Salman Saket

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract: The book of Khayyam's quatrains and Persian Khayyamans is the last work that has been published about measuring and evaluating Khayyam's quatrains and recognizing his original quatrains and separating them from the quatrains attributed to him. In this book, after introducing and criticizing various criteria that Iranian and foreign scholars have used in the last one hundred and twenty years to identify Khayyam's original quatrains, new and innovative methods have been presented. This method is based on three methods of identifying and evaluating ancient sources and paying attention to the principle of repetition and frequency, refining Khayyam's quatrains from the quatrains of other poets attributed to him, and the principle of observing the four rhymes in composing a quatrain in Khayyam's time. In the following, based on these three criteria, 20 original quatrains of Khayyam have been identified and introduced. Also, the 49 quatrains that are most likely to be attributed to Khayyam have been included in the category of «probable quatrains» and finally it has been shown that the attribution of 51 quatrains, some of which are very famous and have always been considered as Khayyam's indisputable quatrains, are rejected or at least considered as suspicious. This valuable work, which is the result of three decades of focused and continuous research by Ali Mir Afzali, is briefly introduced in this article.

Keywords: Khayyamology, Quartet Research, Khayyam Original Quartets, Khayyamian Quartets.

مبحث ممتاز في اكتشاف وتعيين الرباعيات الأصلية للخيام
سلمان ساكت

الخلاصة: صدر كتاب رباعيات خيام وخيامانه‌های پارسی (= رباعيات الخيام والخياميات الفارسية) هو أحدث الكتب التي صدرت حول تقييم رباعيات الخيام وتمييز رباعياته الأصلية وعزلها عن الرباعيات المنسوبة له. وفي هذا الكتاب يبدأ المؤلف بتعريف ونقد ودراسة المعايير المختلفة التي اعتمدها المحققون الإيرانيون والأجانب في المائة والعشرون سنة الأخيرة لاكتشاف رباعيات الخيام الأصلية، ثم يقدم منهجه الجديد والحديث.

وهذا المنهج يقوم على ثلاثة أساليب هي تعيين وتقييم المصادر القديمة مع مراعاة مبدأ التكرار والتواتر، وتنقية رباعيات الخيام من رباعيات الشعراء الآخرين التي تُنسب إليه، ومبدأ رعاية القوافي الأربع في نظم الرباعيات في عصر الخيام.

واستناداً على هذه المعايير الثلاثة تم اكتشاف وتعريف 20 رباعي أصيل للخيام، كما وضع 49 رباعياً من تلك التي يحتمل قوياً انتسابها إلى الخيام في قائمة (الرباعيات المحتملة)، وأشار في الأخير إلى 51 رباعياً كان بعضها مشهوراً جداً وطالما ذكرت ضمن الرباعيات مسلمة الصدور عن الخيام لكن المؤلف اعتبرها مردودة أو على الأقل مشكوكة الصدور عنه.

وفي هذا المقال يجد القارئ تعريفاً مختصراً بهذا الكتاب القيم الذي هو ثمرة ثلاثة عقود من التحقيق والبحث المتمركز والمستمر الذي قام به مؤلفه علي ميرافزلي.

المفردات الأساسية: الدراسات الخيامية، الرباعيات، رباعيات الخيام الأصلية، الرباعيات الخيامية.

کارنامه خیام‌شناسی و خیام‌پژوهی کارنامه‌ای مفصل و پربار و بار است که بنا بر شخصیت چندوجهی خیام، از تنوع موضوعی و گوناگونی محتوایی نیز برخوردار است. با این همه بخش مهمی از این کارنامه به وجه شاعری خیام اختصاص یافته است که نه تنها از نظر حجم، که از نظر اختلاف دیدگاهها و گاه تضاد در اظهار نظرها، با هیچ یک از بخشهای دیگر قابل مقایسه نیست. به سخن دیگر، اگر از وجوه علمی و فلسفی خیام چشم‌پوشیم و بررسی آنها را به پژوهندگان عرصه‌های ریاضی و نجوم و فلسفه واگذاریم و تنها شاعری و رباعی‌سرایی او را مد نظر قرار دهیم، باز هم بخش مفصل و مهمی از این کارنامه را پیش روی خواهیم داشت. مهم‌ترین چالش و مسأله در بررسی وجه شاعری خیام، تعیین اصالت رباعیات منسوب به او است که از حدود ۱۲۰ سال پیش، همت و کوشش بسیاری از خیام‌پژوهان ایران و جهان معطوف بدان بوده است.

آخرین پژوهش در این حوزه کتابی است به نام رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی، اثر علی میرافضلی (نشر سخن، ۱۳۹۹) که در روزهای پایانی سال گذشته منتشر شد و از همان روزهای آغازین انتشار، مورد اقبال و توجه قرار گرفت. نویسنده در این کتاب کوشیده است تا با بهره‌گیری از پژوهشهای قبلی راه و شیوه‌ای تازه در تعیین اصالت رباعیات خیام عرضه کند و با معیارهایی، رباعیات اصیل خیام را از میان انبوه رباعیات نسبت یافته به او جدا نماید.

حقیقت آن است که تعداد رباعیات نسبت یافته به خیام در منابع گوناگون متفاوت است و اغلب با یکدیگر اختلاف زیادی دارد، تا آنجا که از تعداد معدودی رباعی در حد انگشتان یک دست تا بیش از ۱۵۰۰ رباعی به او نسبت داده‌اند. افزون بر این، رباعیات نسبت یافته چه از نظر ساخت و زبان و چه از نظر فکر و اندیشه حاکم بر آنها، تنوع زیادی دارند و ناهمگونی و نایکدستی در آنها چشمگیر و آشکار است.

مواجهه محققان با رباعیات اصیل خیام و رباعیات منسوب به او را می‌توان در طیفی از دیدگاهها و نظریات مختلف قرار داد که دو سر آن را دو دیدگاه افراطی در بر گرفته‌اند. از یک سو کسانی قرار دارند که بحث درباره شناخت و تعیین رباعیات اصیل خیام را بحثی بی‌فایده و بی‌حاصل می‌دانند و بر این باورند که در این راه هیچگاه نتیجه مطلوب و رضایت بخش به دست نخواهد آمد. بنابراین باید این بحث را رها کرد و تنها به «روح حاکم» بر این رباعیات توجه کرد و خیام را به عنوان «نماد این روح» در نظر گرفت. از سوی دیگر، گروهی بر «طبع روان» و قریحه سرشار خیام تأکید می‌ورزند و معتقدند که دلیلی برای کنار گذاشتن رباعیاتی که در طول تاریخ به خیام نسبت یافته وجود ندارد و می‌توان همه آنها را از خیام دانست. در میانه این دو دیدگاه آرا و نظرهای گوناگون و البته متعادل‌تری وجود دارد.

علی میرافضلی، نویسنده کتاب، کوشیده است در میانه این طیف، راهی تازه و شیوه‌ای نوین که از استدلال و منطق کافی نیز برخوردار باشد، ارائه دهد و انصاف را که به خوبی از عهده برآمده است. او از

سال ۱۳۷۲ که با نوشتن مقاله «رباعیات خیام در شش جنگ کهن فارسی» نخستین گام خود را در راه تعیین اصالت رباعیات خیام برداشته تا امروز، بی وقفه به این موضوع پرداخته و آن را در مرکز پژوهشها و تحقیقات خود قرار داده است. این استمرار و تمرکز سبب شده است که هریک از آثار پژوهشی او تکمیل کننده یا بسط دهنده پژوهش پیشین باشد و راه را برای عرضه تحقیق نهایی فراهم آورد. او پیش از این، در سال ۱۳۸۲ کتاب رباعیات خیام در منابع کهن را منتشر کرده بود که تا پیش از انتشار کتاب جدید، علمی ترین و موثق ترین اثر درباره رباعیات خیام به شمار می آمد.

کتاب رباعیات خیام و خیامانه های پارسی شامل پیشگفتار و دو دفتر است. دفتر نخست از ۱۳ بخش کوتاه و بلند تشکیل شده است. بخش اول درباره زندگی و آثار علمی و فلسفی خیام است. بخش دوم به اشعار عربی و فارسی خیام به طور عام اختصاص یافته است. بخش سوم که عنوان «ستایشگران و نکوهندگان» را برایشانی دارد، گزارشی است کوتاه درباره کسانی که یا فضل و دانش خیام را ستوده اند و یا از سر غیرت دینی و تعصب، او را به «سست اعتقادی» و حتی بددینی متهم کرده اند و رباعیاتش را نشانه سرگشتگی و گم گشتگی وی دانسته اند.

بخش چهارم «افسانه دو خیام» نام دارد و در آن دیدگاه استاد محیط طباطبایی مبنی بر وجود دو خیام، یکی خیام نیشابوری شاعر و دیگری علی بن خیام خراسانی بازگو شده است. زنده یاد محیط طباطبایی بر آن بود که خیام نخستین فیلسوف، منجم و ریاضی دان مشهور و خیام دوم سراینده رباعیات است و به دلیل تشابه نام، رباعیات یکی به دیگری نسبت یافته است. این دیدگاه البته مورد قبول پژوهشگران و خیام شناسان قرار نگرفت.

بخش پنجم که «معیارهای سنجش رباعیات خیام» نامیده شده، یکی از درخشان ترین قسمت های کتاب است، چرا که در آن سیر خیام پژوهی و کوشش خیام پژوهان در تشخیص رباعیات اصیل خیام در بازه ای صد و بیست ساله روایت شده است. این سیر پرفراز و نشیب که به نوعی پیشینه تحقیق نویسنده نیز به شمار می رود، به خوبی نشان می دهد که هریک از خیام شناسان چه معیار یا معیارهایی را برای تعیین رباعیات اصیل خیام برگزیده اند و دلایل آنان برای انتخاب این معیار یا معیارها چه بوده است. آنچه این بخش را خواندنی تر می کند، رویکرد انتقادی نویسنده نسبت به دیدگاه و روش هریک از پژوهندگان قبلی است.

بخش ششم ویژه معرفی و ارزیابی منابع کهنی است که رباعی یا رباعیاتی از خیام در آنها آمده است. نویسنده در این بخش که پیوندی تنگاتنگ با کتاب قبلی او، رباعیات خیام در منابع کهن (۱۳۸۲) ش. دارد، منابع را به دو دسته منابع قدیمی و اصلی و منابع کمکی تقسیم کرده است. او در آغاز ۳۲ منبعی را که در فاصله آغازین سالهای سده هفتم تا اوایل سده نهم، یک یا چند رباعی به نام خیام آورده اند، معرفی و تحلیل کرده و آنها را ذیل دسته «منابع قدیمی» قرار داده است. سپس زیر عنوان

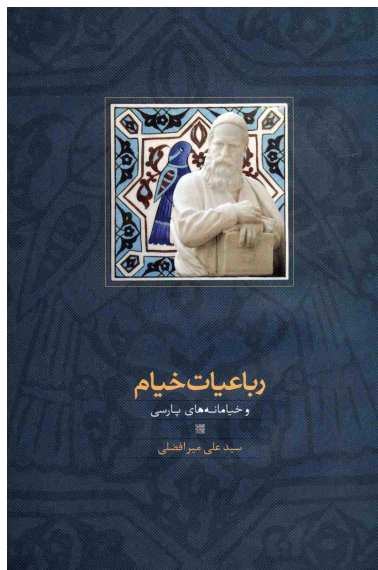
«منابع کمکی»، ۳۵ منبع را در فاصله اوایل سده ششم تا اوایل سده نهم معرفی کرده است که در آنها یک یا چند رباعی که در منابع کهن به نام خیام آمده است، در آنها بدون اشاره به نام سراینده نقل شده است. این منابع اگرچه از خیام نامی نبرده‌اند، اما قدمت آنها و نزدیکی به روزگار خیام، سبب شده است که در مرکز توجه نویسندگان قرار گیرند. در این بخش مجموعه‌های رباعیات خیام نیز به کوتاهی معرفی شده‌اند، اما به درستی نویسندگان در تحقیق خود از آنها استفاده نکرده است. در پایان این بخش چند دست‌نویس جعلی نیز معرفی شده است که نشان می‌دهد چگونه اعتبار خیام و توجه همگان بویژه غربیان به او سبب شده است که بازار ساختن نسخ جعلی و تقلبی از رباعیات خیام رونق داشته باشد.

در بخش هفتم «سبک‌شناسی قافیه» در رباعیات آن روزگار مورد توجه قرار گرفته است. ظاهراً اولین کسی که به اهمیت این موضوع پی برد و آن را به عنوان معیاری در تشخیص رباعیات اصیل خیام به کار گرفت، محمد اقبال بود. البته پس از او کسانی چون الساندر بوزانی، الول ساتن و سیروس شمیسا نیز به این موضوع پرداختند، اما آنان به این مسأله نه در رباعیات خیام به صورت اختصاصی، بلکه در بررسی قالب رباعی و سیر تحول آن توجه کردند. میرافضلی در کتاب خود با بررسی دقیق نشان داده است که ۸۶ تا ۹۳ درصد رباعیات شاعران آن عصر چهارقافیه‌ای بوده است و بنابراین احتمال سرایش رباعیات چهارقافیه‌ای از سوی شاعری غیر رسمی چون خیام که به حفظ سنت‌های ادبی تمایل و پای بندی داشته، بیشتر است.

بخش هشتم به بحث «رباعیات سرگردان» اختصاص یافته و در آن آراء موافقان و مخالفان به خوبی تبیین شده است. جالب آنکه پیشینه این بحث به سال ۱۸۹۸ م. و نوشته‌های ژوکوفسکی بازمی‌گردد، یعنی بیش از ۱۲۰ سال است که این مسأله در مرکز توجه خیام‌شناسان و رباعی‌پژوهان قرار داشته است. میرافضلی در این بخش دیدگاه‌های خود را در نه بند درباره خطرات و تمهیدات لازم برای پرداختن به بحث «رباعیات سرگردان» و چگونگی استفاده از آن در شناسایی رباعیات اصیل خیام ارائه کرده است.

بخش نهم اصلی‌ترین قسمت کتاب و در برگیرنده ایده بنیادین نویسنده است. او در این بخش که آن را «روش انتخاب» نامیده، شیوه انتخاب رباعیات خیام را بر اساس سه معیاری که برگزیده، توضیح داده است. این سه معیار عبارتند از: ارزیابی منابع و بررسی اصل تکرار و تواتر رباعیات خیام در آنها؛ پالایش رباعیات خیام از سروده‌های دیگران تا آنجا که برای رباعیات باقی مانده معارض و مدعی جدی وجود نداشته باشد و توجه به سبک قافیه‌پردازی در رباعیات آن عصر. گذشته از انتخاب این سه معیار که کاملاً منطقی بوده، روش نویسنده در به کارگیری مرحله‌ای این معیارها نیز در رسیدن به نتیجه مطلوب و قابل اعتنای پژوهش اهمیت ویژه‌ای داشته و نقشی اساسی ایفا کرده است. به سخن

دیگر، نویسنده برای معیارهای برگزیده خود، وزن یکسانی قائل نشده و آنها را به همان ترتیبی که ذکر کرده، به کار گرفته است. از این رو در آغاز از میان ۱۵۶ رباعی که در منابع کهن به نام خیام آمده است، ۶۴ رباعی را بر اساس اصل تواتر و تکرار برگزیده است. سپس منابع این ۶۴ رباعی را از نظر تاریخ نگارش بررسی کرده و دریافته است که از میان آنها، تنها ۳۷ رباعی در بازه ۱۵۰ سال بعد از مرگ خیام نقل شده‌اند. لذا این ۳۷ رباعی را اساس کار قرار داده است و در مرحله بعد، نداشتن مدعی برای آنها را بررسی کرده و در پی آن، سه رباعی را که بدون تردید از شاعران دیگر بوده، کنار گذاشته است. به این ترتیب تعداد رباعیات به ۳۴ فقره کاهش یافته است. در مرحله نهایی شیوه قافیه‌پردازی را در این ۳۴ رباعی بررسی کرده و دیده است که تنها ۱۹ رباعی طرح چهارقافیه‌ای دارند. سپس از میان ۱۵ رباعی سه قافیه‌ای باقیمانده، یک رباعی را که در زمان حیات خیام در منابع آمده است، به جمع رباعیات چهارقافیه‌ای افزوده و نتیجه گرفته است که این ۲۰ رباعی به احتمال قریب به یقین از خیام است و آنها را می‌توان رباعیت «اصلی و اصیل» او دانست.



بخش دهم «منظومه فکری و زبانی خیام» نام دارد که در آن، نویسنده با توجه به ۲۰ رباعی اصیل خیام که در بخش قبل شیوه گزینش آنها را توضیح داده، سبک شعری و منظومه فکری خیام را تحلیل و بررسی کرده است. او متذکر شده است که خیام در رباعیات خود بیشتر به استعاره توجه داشته و استعاره‌های او اغلب از نوع استعاره گسترده یا تمثیل است. سپس به دو استعاره کلیدی او، یعنی کوزه / راه / سفر پرداخته است.

در بخش‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم به ترتیب رباعیات اصیل (۲۰ رباعی)، رباعیات محتمل (۴۹ رباعی) و رباعیات جا مانده / مردود یا مشکوک (۵۱ رباعی) به تفصیل معرفی شده‌اند. در رباعیات محتمل دو معیار از سه معیار وجود دارد و در رباعیات مردود یا مشکوک دو معیار از سه معیار غایب است.

دفتر دوم بخش فرعی کتاب است. در این بخش منتخبی از رباعیات خیامانه فارسی از آثار شاعران سده پنجم تا اوایل سده هفتم گرد آمده و همراه با توضیحات سودمند و خواندنی عرضه شده است.

نویسنده پیوستی با عنوان «فرهنگ لغات و اصطلاحات خاص» فراهم آورده که واژه‌ها و اصطلاحات خاص رباعیات خیام و خیامانه‌های فارسی را در بردارد. این فرهنگ کوچک و مختصر که نوعی «اصطلاح‌شناسی» به شمار می‌آید، کلیدی است برای شناسایی «فرهنگ زبانی» رباعیات خیامانه.

افزون بر این، به تعبیر نویسنده «فرهنگ سوابق و لواحق» هم هست، چرا که سابقه کاربرد هر واژه و تعبیر و اصطلاح را در آثار آن دوره و دوره‌های بعد نشان می‌دهد.

کتاب رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی اثری درخشان و ارزنده در حوزه پژوهشهای ادبی است و بویژه در حوزه خیام‌پژوهی به سختی می‌توان اثری همسنگ و هم‌تراز آن باز جست. آنچه این امتیاز و سرآمدی را برای این کتاب به ارمغان آورده، مزیت‌هایی است که در دیگر تحقیقات و پژوهشها کمتر دیده می‌شود. شماری از این مزیتها به شرح زیر است:

۱- کتاب نمونه‌اعلای تخصص‌گرایی نویسنده و نتیجه مداومت او در یک حوزه پژوهشی است. میرافضلی بیش از سه دهه بر سر تحقیق خود عمر گذاشته و از پراکنده‌کاری خودداری کرده است. از این رو گام به گام پیش رفته و در هر مرحله نکته‌ای تازه به دست داده و دستاوردی جدید عرضه کرده است. اگر او در این اثر سه معیار اصلی برای تعیین اصالت رباعیات خیام برگزیده است، نتیجه سالها پژوهش و تحقیق و فکراوست. ابتدا به ضرورت مراجعه به منابع کهن و ارزیابی آنها پی برده، سپس بحث تکرار و تواتر را مطرح کرده و در ادامه به رباعیات سرگردان پرداخته و کوشیده تا با مراجعه به دواوین و جنگها و سفینه‌ها، رباعیات دیگر شاعران را از رباعیات منسوب به خیام جدا کند و در نهایت در آخرین گام به این نتیجه رسیده که باید از شیوه قافیه‌پردازی نیز در تشخیص رباعیات اصیل خیام بهره گیرد. بنابراین می‌بینیم که میرافضلی با تمرکز و استمرار در یک حوزه پژوهشی، مرحله به مرحله تحقیق و پژوهش خود را عمق بخشیده و در هر گام به روشها و دستاوردهای تازه‌تری دست یافته است.

۲- نویسنده نه تنها پژوهشهای پیشین را به خوبی و با رعایت دقت و امانت گزارش کرده، که از آنها به شایسته‌ترین و بهترین صورت ممکن بهره برده است. او با اشرافی کم نظیر همه آنچه را درباره رباعیات خیام گفته‌اند و نوشته‌اند، دیده و با نگاهی علمی و منصفانه نقد کرده است. بنابراین هم‌الگویی است برای پیشینه پژوهی تام و تمام در تحقیقات ادبی و هم سرمشقی است برای مواجهه منطقی و علمی و البته منتقدانه با پژوهشهای پیشین. این اثر نشان می‌دهد که چگونه پژوهش درباره موضوعی حساس و چالش برانگیز و البته جذاب، در طول زمان رشد کرده و بالیده و به نتایج رضایت بخش و قابل قبول رسیده است.

۳- نویسنده در این تحقیق که ذاتاً ادبی است، از ذوق و استحسان دوری کرده و کوشیده که تا پایان تحقیق به چهارچوبی که در آغاز برای خود تعیین کرده، پای بند بماند. این نکته‌ای است که در بسیاری از پژوهشهای حوزه ادبیات دیده نمی‌شود. او محتاطانه و با وسواس عمل کرده و اجازه نداده است که ذوق و پسند ادبی و حتی تاریخی موجب چشم‌پوشی او از قواعدی شود که اساس تحقیق خود را بر مبنای آنها استوار کرده است.

۴- نویسنده به منابع چاپی و تحقیقات و پژوهشهای ارائه شده بسنده نکرده و در صورت لزوم به منابع خطی و دست‌نویسها نیز مراجعه کرده است که همین امر، از یک سوازش و اعتبار پژوهش او را دوچندان کرده و از سوی دیگر موجب اعتماد مخاطبان به نتایج تحقیق شده است.

کتاب رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی در کارنامه خیام‌شناسی و خیام‌پژوهی جایگاهی بلند و ماندگار خواهد داشت و از این پس مبنایی محکم برای شناخت و تعیین رباعیات اصیل خیام است. اگر در گذشته رباعیات اصیل و منسوب، توأمان به نام خیام رواج داشته و براساس آنها آثار هنری، اعم از خوشنویسی، نقاشی خط و موسیقی خلق شده است، حال باید با توجه به پژوهش میرافضلی و ۲۰ رباعی مسلم‌الصدور خیام، آثار هنری و فاخر جدیدی فراهم آید تا ایرانیان و جهانیان با رباعیات اصیل خیام آشنا شوند.